

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یورگن هایزر Von Jürgen Heiser

برگردان و افزوده از: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی

۳۱ می ۲۰۱۷

قهرمانان آزاد شدند!

ایالات متحده امریکا: فعال غیر وابسته پیرو "اوسکا لوییس ریفر" Oscar López Rivera و افشاگر قضایای سیاسی خانم "چلزيا مینینگ" Chelsea Manning از زندان آزاد کرده شدند.



"چلزيا مینینگ" و "اوسکا لوییس ریفر" - عکس از: Illustration jW

خانم "چلزيا مینینگ" در ایالات متحده امریکا و "اوسکا لوییس ریفر" در "پورتو ریکو" Puerto Rico روز چهار شنبه از زندان آزاد شدند. هر دو زندانی سیاسی دولت امریکا بودند. حکم رهائی افشاگر موضوعات سیاسی و مبارز غیر وابسته "پیرو" را "بارک اوباما" رئیس جمهور پیشین ایالات متحده امریکا در ماه جنوری در

اواخر پست اداری خود در چارچوب صلاحیت حق عفو که وی در اختیار داشت، امضاء نموده بود. هر دو توسط حامیان خود با شور و هیجان استقبال شدند. به همین مناسبت برنامه های تقدیر و ارج گذاری از آنها در نظر گرفته شده، که در این روز ها برگزار می شود.

هر دو برای بسیاری از انسانها در این سیاره، قهرمانانی هستند که نباید هیچ گاه محبوس می شدند. "مینینگ" با جرأت افشای ۷۰۰.۰۰۰ هزار سند مخفی در باره جنایات جنگی ایالات متحده توانست اذهان توده های جهان را به جنگهای مخرب و ویران کننده در عراق و افغانستان روشن نماید. محکمه نظامی علیه "مینینگ" ۳۵ سال زندان را وضع کرد. "لوپیس" به ۷۰ سال زندان به اتهام "توطئه های شورشگرانه و فتنه آمیز علیه دولت ایالات متحده" محکوم شده بود، مگر این حکم بر وی کمترین اثری نگذاشته چنانچه با مقاومت مصرانه علیه سیاست استعماری واشنگتن در ۳۶ سال زندان امیدواری وی به استقلال "پورتو ریکو" کشورش در کاریبیک فزونی یافت. "لوپیس" در "پورتوریکو" و کشور های دیگری مانند "کوبا" و "ونزوئلا" به حیث سرمشق و پیشتاز یک فرد مبارز و آزادیخواه به شمار می آید.

آزادی "مینینگ" بعد از هفت سال از زندان نظامی ایالات متحده در "کنزاس" مطابق به روز برگذاری بین المللی همجنسگرا ها بود. وی به حیث اولین سربازی که خود را زن احساس می نمود برای رسیدن به هدفش یعنی تغییر جنسیت (Transfrau) گذشته از مبارزات حقوقی و اعتصاب غذایی، در داخل زندان که همه زندانیان مرد بودند، مشقات و خشونت های زیادی را تحمل نموده مقاومت بی مانندی را از خود نشان داد. طوری که وکیل مدافع وی "حزی شترنگیو" Chase Strangio بیان کرد: "مینینگ" با "خشونت غیر قابل باور مواجه شده بود." خانم "ننسی هولندر" Nancy Hollander وکیل وی در مقابل مطبوعات گفت: وی حالا آزاد است و در آزادی می تواند تصمیم بگیرد و راه خود را در پیش گیرد. به گزارش از "سن" برتانیه، "سوسن" مادر "ولیزی" (ولیز ایالتیست در برتانیه از مترجم) مینینگ اظهار نمود: وی به دختر خود افتخار نموده برایش فقط یک پیام دارد: "برو، دختر!"

به همین مناسبت، جنبش وسیع از زنان، (LGBT) زنان و مردان همجنسگرا، (Bi- und Transsexuelle) (مردانی که خود را به حیث زن احساس می کند) و گروههای ضد جنگ در ۲۲ شهر از "نیوزیلند" Neuseeland گرفته تا ایالات متحده آمریکا، لندن و برلین از آزادی این دو زندانی تجلیل نمودند. در اسرائیل گروه تبعید شده «Refuseniks» (سربازانی که از خدمت نظامی امتناع می ورزند از مترجم) و سازمانهای صلح همه برنامه و مراسم خود را با اتحاد و همبستگی با زندانیان فلسطینی، که از یک ماه بدینسو در اعتصاب غذایی به سر می برند، اعلام نمودند. طبق گزارش مطبوعات المان "جولیان اسانگ" Julian Assange "بنیانگذار" ویکی لیکس " آزادی افشاگر موضوعات سیاسی را به حیث "پیروزی حماسی" توصیف کرده است. وی با "بی صبری در انتظار است تا از این خانم دیدار نماید" رئیس حزب چپی Katja Kipping "کتیه کیپینگ" با تأیید از سخنان افشاگر سیاسی ویتنام "دانیل الزبرگ" Daniel Ellsberg در مورد آزادی "مینینگ" می افزاید: آزادی مینینگ "هدیه است به جهان"

"اوسکا لوپیس" که اینک مردیست ۷۴ ساله، بعد از ظهر روز گذشته (وقت محلی) در دانشگاه پایتخت پورتو "سن جوئن" San Juan به حیث سخنران اصلی در تظاهرات وسیعی که در آخرش با کنسرتی تکمیل می شد، پشت تریبون قرار گرفت. در جمع پرشور شرکت کنندگان محصلان زیادی نیز حضور داشتند که عین زمان علیه تقلیل و خیم مخارج دانشگاه ها در اعتصاب به سر می برند. پذیرائی و استقبال از "لوپیس" خود را به بیانیه جنبش استقلال طلبانه علیه اوامر مالی واشنگتن به ارتباط و رشکستگی دولت کشور مصیبت زده، توسعه داده است.

افزوده مترجم:

خوانندگان نهایت عزیز! طوری که شما ترجمه را از نظر گذشتانید، رئیس جمهور پیشین کشور امپریالیستی آمریکا "بارک اوباما" در آخرین روز های مأموریتش اقدام به یک سلسله اعمال به اصطلاح "انسانی و بشر دوستانه" نمود، که از جمله رهائی یک تعداد زندانیان "گوانتانامو" بود، اقدامی که خواست تا "دونالد ترمپ" را که وی در جریان انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده گفته بود: "این ها انسانهای بیش از حد خطرناک هستند و نباید به این ها اجازه داده شود تا دوباره در جنگ برگردند" و مجموع جمهوریخواهان را که قبلاً خواسته بودند تا دیگر هیچ کسی را نباید از زندان "گوانتانامو" آزاد کرد، عصبانی ساخته و برای "ترمپ" و رژیمش مشکل خلق نماید، در غیر آن در حالی که نامبرده در هشت سال دوره ریاست جمهوری خود با وجودی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری یکی از وعده های فریبنده وی آزادی زندانیان "گوانتانامو" و بسته کردن این زندان مخوف بود، نه تنها به گفته ها و وعده های خود عمل نکرد بلکه تا توانست جنایاتی را که رؤسای جمهور آمریکا قبل از وی مرتکب شده بودند، گسترش داده به جرأت می گفت از برخی جهات (استفاده از درون و به خاک و خون کشانیدن کشور های لیبیا- سوریه و یمن)، در جنایت گوی سبقت از دیگران را نیز ربود.

این به اصطلاح اقدام "بشر دوستانه" وی، یعنی آزادی دو انسان سیاسی و مبارزی که یکی از کشور "امریکا" و دیگری از جزایر "کاریبیک" است. هر دو سالها عمر خود را در زندانهای آمریکا گذشتانند، بدون این که "اوباما" در هشت سال مأموریت کثیف خود از آنها خبری داشته باشد، مگر در هفته های اخیر مأموریت خود با صلاحیت حقوقی که داشت، فرمان آزادی آنها را اعلام می کند. دو انسانی که با مبارزه و افشاگریهای خود در روشن ساختن اذهان خلقها نسبت به جنایات جنگی امپریالیسم آمریکا در کشور های عراق و افغانستان و جنگهای مخرب و تباه کننده این هیولای قرن در دیگر کشور های جهان محکوم به سالها زندان می شوند. "اوباما" با حکم رهائی آنها می خواهد تا چهره کریه و منحوس خود را به مثابه چهره یک انسان به اصطلاح بشر دوست عرضه داشته چنان وانمود نماید که گویای حامی و پشتیبان افراد مبارز و در کل آزادی بیان می باشد.

از شهکاریهای فریبنده دیگر رژیم "اوباما" که آنهم در اواخر ریاست جمهوری وی انجام گرفت، ویتو نکردن قطعنامه رسمی شورای امنیت علیه اسرائیل به خاطر ساختن شهرک ها در مناطق اشغالی فلسطین بود. طوری که می دانیم "اوباما" در هشت سال دوره ریاست جمهوری خود تا توانست دولت اسرائیل را مورد حمایت اقتصادی و نظامی قرار داد مگر در اواخر مأموریت خود خواست تا ظاهراً در ضدیت با رژیم صهیونیستی اسرائیل، به پشتیبانی از خلق ستمدیده فلسطین افکار و توجه خلقها را به زعم خودش به اعمال نیک و پسندیده خود سوق بدهد. آیا این انسان جنایتکار نمی داند، در صورتی که انسانهای امروز و نسل های بعدی جنایات جنگی و استعماری را که وی با تجاوزات و دگرگونیها در جهان مرتکب شده، فرضاً از ذهن خود دور نمایند و یا به فراموش بسپارند، آیا آنچه را که درج صفحات تاریخ شده است، می توان روی آن خط بطلان کشید؟ هرگز نه! تا جایی که به خاطر داریم تاریخ گواه به اعمال نیک و بد شاهان، رؤسای جمهور، دیکتاتور ها و... بوده و در آینده هم خواهد بود.

حالا بر می گردم به کشور عزیز ما افغانستان که مشتی از جنایتکاران، وطنفروشان، خائنان و دزدان قرن در رأس قدرت اداره مستعمراتی بوده و هستند. حدود شانزده سال یعنی در تمام دوران حاکمیت "کرزی" افغانستان در آتش جنگ وحشیانه امپریالیستی و ارتجاعی می سوخت و همچنان ده ها فاجعه دیگر. نمی دانم که آیا "کرزی" خیانت و جنایت به کشور و مردم افغانستان را فراموش کرده، آیا وی فراموش کرده که دودسته کشور را تقدیم امپریالیستها

نموده و منافع ملی افغانستان را به حراج گذاشته بود؟ مگر وی دوش به دوش امپریالیسم جهت استحکام تجاوز سعی و همکاری نورزیده است و هنوز هم نمی‌ورزد؟. این اعجوبه خیانت و دنانت در اواخر مأموریت خود و هم بعد از آن در صدد شده و هنوز هم در صدد است تا بقیه عمر ننگینش را نزد خلق ها و تاریخ با ادعا های فریبکارانه که چال و فریب در بطن خیانت پیشگان نهفته است، مدافع تجاوز جلوه دهد. وی در تمام دوران حاکمیتش جنایت، چور و چپاول دارائی های عامه و سرا زیر کردن آن در بانکهای دویی و دیگر نقاط جهان حاضر نبود تا بگوید که افغانستان مورد تجاوز قرار گرفته، مگر در اواخر مأموریت خود به اصطلاح یکباره جرأت یافته می گوید که افغانستان مورد تجاوز قرار گرفته است و با انتقاد از امپریالیسم امریکا می خواهد مسؤولانه به قضایای کشور و مردم ما برخورد نماید. به همین ترتیب طرح محتوا و توافق به معاهده ستراتیژیک و توافقات امنیتی آنهم در جهت تأمین منافع اشغالگران در زمان ریاست کرزی صورت گرفت. اما وی با فتنه گری و چال و فریب به خاطر این که نام نیک برای خود کمائی نماید، ظاهراً از امضای سند محکومیت کشور ما با بادران خود ابا و ورزید و آنهم در اواخر مأموریت خود که دیگر امیدش از چوکی ریاست از جانب بادران امریکائی اش قطع شده بود و وظایف وی باید به عهده مهره جدید "سی آی ای" یعنی "غنی" سپرده می شد. چنانچه دیده شد که بعد از وی هر دو توافقاته میان دولت دوسره کابل و دولت امپریالیستی امریکا امضاء گردید. کرزی با دروغ گفتن های خود مانند گذشته مردم را فریب می دهد. وی خواسته و می خواهد تا از این طریق اذهان خلقها را نسبت به همکاریهای خود با امپریالیسم مغشوش بسازد، ولی غافل از آن است که حالاً خلق افغانستان بیدار و آگاه شده اند و خوب می دانند که وی هرگز از نوکری با اشغالگران دست بردار نبوده و در آینده هم نخواهد بود.

آیا می توانند خیانت پیشگانی مانند "کرزی" و امثال وی را وقتی موقع را مناسب دیدند با زرنگی مزدورمنشانه جهت فریب خلق ها و اهداف مغرضانه ای که به کار برده و می برد، باز هم آبروی برای خود کمائی کند؟ البته جواب منفی است. همانطور که اعمال "شاه شجاع" ها و "ببرک" ها تا به امروز از صفحات تاریخ نابود نگردیده است، اعمال خیانت پیشگانی مانند "کرزی" ها و "غنی" ها و "عبدالله" ها، "سیاف" ها و "گلبدین" ها و ... هم به یقین که برای همیشه درج صفحات تاریخ باقی خواهد ماند.

پس دیده می شود که این ها کسانی هستند که در مرکز تعلیمات "سی آی ای" درس فتنه گری و چال و فریب را خوب فرا گرفته اند.